

— از حضرت صادق نقل است که حضرت علی علیه السلام در موقع نماز انگشتر خود را به سائلی هدیه داد، که وزن حلقه اش چهار مثقال بفره و وزن نگینش پنج مثقال با قوت سرخ بود که ضمنی خراج یکساله کنور شام بوده است.

(کنسی در اصول کافی، کتاب الحجه، باب
بأمره، وآية الله العظمى جروحردی، در
کتاب حواهر التولاه)

— در سفینه البحار تصریح شده که در آمد سالانه امیر المؤمنین علیه السلام جهل هزار دینار (تقریباً دو میلیون ریال امروز) بوده است.

(استاد احمد قلی، در رساله رمد رسه عبسه
قم، نقل از کتاب مالکیند را اسلام)

در سهم امام

— محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی، و او از ابن محبوب، و او از هشام بن سالم، و او از ابی خالد الکالی نقل کرده است که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام (که پیغمبر صلی الله علیه وآله املا فرموده است) دیده ایم که زمین منعلق به خدا است، و او آنرا به من و خاندانم واگذار کرده، و ما هم پرهیزکاران، و همه زمین از آن ما است.

و نیز امام فرمود: هر مسلمی که زمینی را زنده و آباد کند، باید خراجش را به امام بپردازد، و تا زمانی که حضرت قائم از خاندان من با شمشیر ظاهر شود، آنگاه همه زمینها را تصرف کند و متصرفین را از آنها اخراج نماید، مگر زمین هایی را که در دست شیعیان

ما یاسد که حضرت قائم علیه السلام اس زمینها را با خود آنها مفاطعه بدهد و زمین را در دست انسان باقی گذارد .

و عمر بن سعد گوید : مسمع را در مدینه دادم و او در آن سال وحیی را خدمت امام صادق علیه السلام برده و آن حضرت بدین فرمود : یا و کفینم : چرا امام صادق علیه السلام وحیی را که بر اس بردهی به خود کرد؟ گفت چون وحید را خدمت کردم عرض کردم که غواصی دریای بحرین به من واگذار شده و چهارصد هزار درهم اسفاده کرده ام ، و خمس آنرا که هشتاد هزار درهم است برای شما آورده ام . حضرت فرمود : مگر ما از زمین و آنچه خدا از آن بر آورده حقش جز خمس نداریم ؟ ای اباسار ، بدرسی که همه زمین از آن ما است ، پس آنچه خدا از آن بر آورد متعلق به ما است .

(اصول کافی ، کتاب الحجه ، باب

ان الارض کلها للامام علیه السلام)

— محمد بن یحیی از محمد بن احمد ، و او از محمد بن عبدالله بن احمد ، و او از علی بن النعمان ، و او از صالح بن حمزه ، و او از ابان بن مصعب ، و او از یونس بن طیمان با از معلی بن خنس روایت دارد که به اسی عبدالله امام صادق علیه السلام عرض کردم : شما را پس زمین مالک چه هستید ؟ حضرت لبخند زد و فرمود : همانا خدای بزرگ و تعالی حضرت علی علیه السلام را فرستاد و به او دستور داد تا انگشت آنها مش هفت نهر در زمین حفر کند ، که از جمله آنهاست سحان و ححان که همان نهر بلخ است ، و خسوع که نهر شاش (شوش) است ، و مهبران که نهر هند است ، و ببل به مصر و دجله و فرات ، پس آنچه آب دهد و آب گیرد از آن ما است ، و آنچه از آن

ما است منعلق به شعبان ما است و دشمن ما را از آن
 بهره ای نیست ، مگر آنکه آسرا به رور و ناحی گردد .
 و سر امام صادق علیه السلام فرمود : حضرت
 علیه السلام با نای حوسر سح بفر حفر کرد که رانه آب
 در بی آن میآمد : تراب و دحلله و سل و مهران و غیره .
 پس همه آن حد از آبها خورد ، و آب دهد ، منعلق
 به امام است ، و در بانی که خنکها را در میان گرفته
 است سر منعلق به امام است .

از همین کتاب

- امام صادق علیه السلام بناکید فرمود : کاری
 کرد خدا محبوبتر از رساندن پول به امام است .
 همانا که خداوند هر دره می را که به امام داده شود
 در بهشت به محکمی گوه احد قرار میدهد .

و حسن بن صالح گوید : امام صادق علیه السلام به
 من فرمود که ای صالح ، یک درهم که به امام برسد از
 گوه احد سنگی تر است . و نیز فرمود : یک درهم که
 به امام برسد ، بهتر است از دوهزار هزار ادمیلیون
 درهم که در راه خیر دیگر مصرف شود .

و علی بن ابراهیم گوید : پدرم گفت : در خدمت
 حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام (امام محمد تقی)
 بودم که صالح بن محمد بن سهل که متولی اوقاف قسیم
 بود وارد شد و به حضرت عرض کرد : آقای من ، آن ده
 هزار درهم را که گفته بودم به من حلال بفرما ، زیرا
 آنها را خرج کرده ام . فرمود : حلال کردم . ولی چون
 بیرون رفتم ، امام علیه السلام فرمود : این شخص را
 بسنی که اموال آل محمد را میخورد و میگوید مرا حلال
 کن ، البته من نمیگویم حلال نمیکند ، ولی به خدا
 که اس پول از گلویش پائین نمیرود ، زیرا خدا در

رور فامبدون مسامحه ار او سئوال خواهد کرد .

(اصول کافی ، کتاب الحجه .

کتاب ابن الارضی کتبه

للامام علیه السلام

اشعه واجنبه

— محمد بن علی ار یحیی بن مناور ، واو ار سعد
الاسکاف روایت میکنند که راجع به بعضی از کارهای خودم
به منزل امام باقر علیه السلام رفتم . مدتی زیاد در
انتظار ماندم ، تا ناگاه اشخاصی را دیدم که از اتاق
خارج شده بسوی من آمدند که مانند ملخهای زرد بودند ،
ویوستین در برکرده واز کثرت عبادت لاغر شده بودند .
چون خدمت امام رسیدم ، عرض کردم : اشخاصی از نزد
من گذشتند همه بکنواخت که مانند ملخهای زرد بودند و
عبادت لاغرشان کرده بود . فرمود : ای سعد ، ایسان
برادران تو از طائفه جن هستند . عرض کردم : خدمت
شما میآیند ؟ فرمود : آری ، میآیند و مسائل دینی و
حلال و حرام خود را از ما میپرسند .

(اصول کافی ، کتاب الحجه ، کتاب ابن

الجن یأتیهم فیسئلونهم عن معالم دینهم)

— و ابن جبل گوید : درخانه امام جعفر صادق

علیه السلام بودم که مردمی شبیه سیاه پوستان سودانی
بیرون آمدند که لنگ و روپوشی در برداشتند . از امام

عادی علیه السلام راجع به آئینا پرسیدم . فرمود اسنان برادران حن شما هستند .

— و سندی اسکاف گوید : خدمت امام محمد باقر علیه السلام رهسار بندم ، و چون منحوا سم احاره ورود بکمرم دادم چننازهای ستر بیرون جانده صف کشیده و بسه ردیف است . باکاه صداهایی برحاسب و سنی مردی عمامه سر سینه سودا سینه بیرون آمدند . من خدمت حضرت رسیدم و عرض کردم : قربانت ، امروز بمن دیر احاره دخول فرمودی ، و من عمامه برای رادیدم که بیرون آمدند و آئینا را شناختم . فرمود : ندانستی آئینا کیاسد ؟ عرض کردم ، نه ! فرمود : آئینا برادران حن شما هستند .

— و سدر صیرفی گوید : امام باقر علیه السلام بمن فرمودند که ای سدید ، ما خدمت گزارانی از طایفه حن داریم که هرگاه درکاری شتاب داشته باشیم ، آنها را به ما موربت میفرستیم .

— و حکیمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام گوید : حضرت امام رضا علیه السلام رادیدم که در هیزمخانه اسناده و آهسته با کسی سخن میگوید ، اما من آن دیگری را نمیدیدم . گفتم : آقای من ، با کی آهسته سخن میگوئی ؟ فرمود این عامر زهرائی جن است که نزد من آمده است و درد دل میکند . عرض کردم : سرورم ، دوست دارم سخن را بشنوم . فرمود : اگر سخن را بشنوی یک سال تب میکنی . عرض کردم : با این وصف ، آقایم ، دوست دارم بشنوم . فرمود : بشنو ! من گوش دادم ، صدائی مانند سوت شنیدم و تب مرا گرفت تا یکسال .

— و جابر رحمة اله علیه گوید : حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود : هنگامی که امیر المؤمنین علیه السلام بر منبر بود ، از طرف یکی از درهای مسجد

اردشانی داخل شد . مردم آهنگ کسب را کردند ، اما
 امیرالمؤمنین علیه السلام آنها را ازین کار بازداشت .
 او سینه کسان آمد بایای میر رسید . برحاسب و روی
 دمسر اسناد و به امیرالمؤمنین علیه السلام سلام کرد .
 حضرت اشاره فرمود که بسند نا حظه ات تمام شود . پس
 از حظه فرمود سوگسنی ؟ گفت : من عمرو بن عثمان
 خلیفہ شما بر طائفہ حیم . بدم مرد و به من ستارن کرد
 خدمت شما آم و رای شما را برای حاسبی او بدست
 آورم . اکنون آمده ام تا چه دستور فرمائی ؟ امیر
 المؤمنین علیه السلام فرمود : با رکرد و به فضل خدا در
 میان حسان بحای بدرت باش که تو خلیفہ من هستی
 براینان . عمرو با امیرالمؤمنین علیه السلام جدا حاطی
 کرد و با رکش . من عرض کردم : قربانت ، عمرو خدمت
 شما مآید و آمدن برا و واجب است ؟ فرمود : آری !

(ار همان کتاب)

— محمد بن یحیی از احمد بن محمد ، و او از محمد
 بن خالد ، و او از محمد بن القاسم ، و او از حسین بن
 ابی العلاء روایت دارد که دیدم امام ابی عبداللہ
 صادق علیه السلام دستش را به متکاهائی که در خانه بود
 زد و فرمود : ای حسن ، اینها متکاهائی است که بارها
 فرشتگان بر آنها تکیه زده اند و ما گاهی محبور شده ایم
 پرهای کوچکان را از روی زمین برچینیم . همانا که
 ملائک نیز مانند اجنه بطور مستمر به ملاقات ما می آیند .
 و ابو حمزه ثعالی در همین باره گوید : خدمت
 حضرت علی بن الحسین (زین العابدین) علیهم السلام
 رسیدم . حضرت را دیدم که چیزی از زمین برمیچسبند و
 دستش را پشت پرده میبرد و به کسی که در آن اطاق بود

ممداد . عرض کردم : قربانت ، چیست که بر من حیسی ؟
 فرمود : زیادیهای بر فرشتگانی است که با ما خلوت
 میکنند ، و چون از نزد ما میروند آنها را جمع میکنیم
 و بازوسند فرزندان خود میکنیم . عرض کردم : قربانت ،
 مگر فرشتگان نزد شما میآیند ؟ فرمود : ای ایا حمیره ،
 آنقدر مآبید که روی متکاها جای خود ما را نشک
 میکند .

(اصول کافی ، کتاب الحجه ،

کتاب الاملا شکره)

— شیخ شهید رحمه اله علیه از حضرت رسول
 الله (ص) نقل کرده که فرمودند : شیطان بر دو قسم
 است : شیطان جنی ، و آن دور میشود به گفتن " لا حول
 ولا قوة الا بالله العلی العظيم " ، و دیگر شیطان انسی ،
 و آن دور میشود به فرستادن صلوات بر محمد و آل آن
 جناب علیهم السلام .

(مفاتیح الحنان و باقیات صالحات ، باب

سوم ، در عودات دفع شیاطین)

— علی سید بن طاووس در " امان الافطار " روایت
 کرده از ابو محمد قاسم بن علا صافی خادم امام علی
 النقی علیه السلام ، که گفت : رخصت طلبیدم از آن حضرت
 که به زیارت جدش امام رضا علیه السلام بروم . فرمود
 که با خود انگشتری داشته باش که نگینش عقیق زرد
 باشد و نقش نگین " ماشاء الله لا قوة الا بالله
 استغفر الله " باشد و بر روی دیگر نگین محمد و علی
 نقش کرده باشند . چون این انگشتر را با خود داری امان
 یابی از شر دزدان و راهزنان . خادم گوید بیرون آمدم
 و انگشتری که حضرت فرموده بود بهم رسانیدم و برگشتم

که وداع کنم ... فرمود ای صافی ! گنیم لیسگ با سدی !
 فرمود که انگستر فروره هم باید با خود داسه با سی ،
 بدرستی که میان طوس و ساسان سوری سرحواهد خورد به
 نو و قافلده راصع خواهد کرد از رفس . بوسه سرو و
 اس انگسر راه سر سما و کز مولای من مکتوب کند
 دور سو از راه ... صافی گوید که رسم بد ستر ، و سد
 خدا سو کند در همان مکان که حضرت فرموده بود سر بر
 سر راه آمد و آنچه فرموده بود بعمل آوردم و سر برگشت .
 و چون از زیارت برگشتم آنچه کدسک بود بخدمت آن
 جناب عرض کردم . فرمود که یک حجر صاف بکنی اگر
 خواهی من نخل کنم . گفتم : ای آقای من صاف فراموش
 کرده باشم . فرمود که شی در طوس سردک فرست
 سراسر سردی ، گروهی از حبان به زیارت قدر آن
 حضرت آمده بودند ، آن نگی را در دست نو دیدند و فقر
 آرا خواندند ، پس آنرا از دست نو بدر آورده بردند
 سزد بیماری که داشتند ، و آن انگسر را در آبی شسته
 آن آب را به بیمار خود خوراندند و بیمارسان صحت
 یافت ، پس انگستر را برگردانیدند و نو در دست راست
 کرده بودی ایشان در دست چپ نو کردند ، و سردک سر
 خود با فوٹی دیده برداشتی و الحال همراه سب ... سر
 به بازار و آن راه همناد اسرعی خواهی فروخت و ایسی
 یا قوت هدیه آن حبانست که برای تو آورده بودند .
 خادم گفت یا قوت راه بازار مردم و همناد اسرعی
 فروختم ، همچنانکه سدم فرموده بود .

(معارج الحبان و باقیات صالحات)

باب ششم ، در خواص بعضی سوره و آیات

— در روایت است از حضرت رسول اللہ صلی اللہ

علیه وآله ، کہ اگر حن سنگی افکند آن سنگ را بگیرد
و بسفکند به همان جا کہ سنگ از آن آمده ، و بس اس
دعا را بخواند (من دعا) .

— و نیز فرمود کہ برای دفع سرخسان گامخدا سن
مرغ و خروس و کیوسر و بزغالہ درخاہ نافع است .

— و نیز فرمود کہ درخاہای کہ احند سنسک
مانندارند صاحبخانہ آن سنگ را بردارد و بگوید
" حسی اللہ و کفی سمع الہلمس دعالمس و راء المبینی " ،
و حنیان یا بہ فرار گذارند .

— در روایت است کہ حضرت رسول اللہ (ص) بہ
حنگی مبرفتند . بہ وادی رسیدند کہ در آنجا حسی
بسیار بود . در میان اصحاب خود ندا کردند کہ ہر دو
تا دست یکدیگر را بگیرید و داخل این وادی شوید و
هیچکس تنہا نہرود . و یک شخص تنہا رفت ، او را حن گرفت
و دچار صرع شد .

— در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر (ع)
منقول است کہ چون راہ را گم کنی فریاد کن : " سہا
صالح یا صالح ارشدونا الی الطریق ، و حکم اللہ " .
راوی حدیث گوید کہ ما در سفری راہ گم کردیم و جبیب
کردیم . صدای آہستہ ای گفت : راہ از جانب راست
است . از صاحب ما پرسیدیم کیسنی کہ خدا نرا سامرد .
گفت من از آن گروہم از حن کہ بہ حضرت رسول (ص)
ایمان آوردند و کسی بہ غیر از من از آنجا نماندہ
است . بس اندک مافی رفیم و زاد را ناسیم .

— در روایت است کہ شخصی بہ حضرت امام حنفی
عادی (ع) نکات کرد کہ دختری دارم در خواب بسیار
بسترسد و گاہی اعضایش بہت و بس میسوزد . فرمود : کار
حن است ، بس او را حمام کن و آب نم را با عمل بس
و بده بخورد . بس چنی کرد و سنا یافت .

— و در حدیث معتبر است از حضرت امام جعفر صادق (ع) که فرمود : زیهار یا کردان مخالطه مکنید که آنسان گروهی هستند از حیسان، که حقیقتاً بی‌برده از اینان برداشته است .

(حلیة السمعین ، باب حشم ، فصل سیم ،
باب چهاردهم ، فصل هشتم)

اثمه و زنیان

— یکی از اصحاب ، از احمد بن محمد ، و او از موسی بن القاسم روایت کند که شنیدم محارسی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل میکرد که آن حضرت از بدرائش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده بودند که فرموده بود : به دستهای که همسین با آنها دل مرد را میبراند : نشستن با اغنیاء ، مجالست با اراذل و فرومایگان ، و گفت و شنود با زنان ها .

(اصول کافی ، کتاب العسره ،
باب من نکره محالسه و مراغه)

— در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : بال و بر زبان را کوتاه کنید به ترک لباس و زینت تا از خانه بیرون نروند ، و هر که راضی باشد به زینت و بیرون رفتن زنش از خانه ، پس او دیوث است و بنا میشود برای او هر قدمی که بردارد خانه‌ای در

حنیم . و فرمود که هر که اطاعت رس کند خدا او را سده
حنیم اندازد . پرسیدید : غرض از اطاعت چیست ؟ فرمود
مثلا اذن میطلبید که به حمام با تروسی رود ، و مرد قبول
مکند .

مجمع المعارف و معجز العوارف .
عین سهم ، در عتبات
رباکاران و لا طیب الا

— در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر (ع)
منقول است که زنی آمد بخدمت حضرت رسول اکرم صلی
الله علیه و آله ، و پرسید با رسول اله ، چیست حقیقی
که شوهر بر زن دارد ؟ فرمود بر زن لازم است که اطاعت
شوهر بکند و از خانه او بی رخصت بیرون نرود و هرگز
نافرمانی نکند . پرسید یا رسول الله ، آیا من سر بر
شوهرم آنقدر حق دارم که او بر من دارد ؟ فرمود که ار
صد یکی نه . و پس فرمود : اگر امر میگردم که معاذ الله
کسی برای غیر خدا سجده کند ، هر آینه زنان را میگفتم
که به شوهران خود سجده کنند .

— حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند که هر که یک
دختر دارد بارش گران است ، و هر که دو دختر دارد به
خدا سوگند که بفریاد او برسید ، و هر که سه دختر داشته
باشد جهاد کردن را از او بردارید ، و کسی که چهار
دختر داشته باشد ، ای بندگان خدا او را یاری کنید ،
ای بندگان خدا به او قرض بدهید ، ای بندگان خدا
به او ترحم کنید .

— و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند
که پدر باید دختر خود را سوره نور یاد بدهد ، و سوره
یوسف یاد بدهد ، و او را در بالاخانه ها جا ندهد .

— و سر حضرت رسول اکرم (ص) فرمود که در
سکی اطاعت ریان مکند یا به طمع بنشیند در امر
کردن نماز بدی ، وار بدان امان بخدا نگاه دارید ،
و از سگایان سر بر حذر باشد .

— و سر از آن حضرت (ص) منقول است که هر
زنی که خود را حوسر کند و از خاندن سرور آید لعنت
الهی بر او باشد تا به خانه بازگردد ، و ملائکه و همسند
حسان سر بدولعنت فرستند .

— و سر از آن حضرت (ص) منقول است که هر
اراده جنگ میفرمودید بازبان خود منور میکردید یا
آنچه اینان گویند خلاف آن بفرمایید .

— و آن حضرت (ص) نهی فرمود از آنکه زن جز
برای شوهر خود زینت نکند ، و اگر بکند برخدا لارم است
تا او را در آتش جهنم بسوزاند ، و نهی فرمود از آنکه
زن مرد غیر شوهر و محارم خود زیاده از پنج کلمه
ضروری سخنی بگوید . و نهی فرمود از آنکه زنان سر
زین سوار شوند . و نهی فرمود از آنکه کسی زن خود را
به حمام فرستد در بلادی که احتیاج به حمام نباشد .

— از حضرت امام محمد باقر (ع) و حضرت امام
جعفر صادق (ع) منقول است که حق تعالی برای زنان
غیر حائز نداشته است و فقط از برای مردان غیرت قرار
داده است ، زیرا که از برای مردان چهار زن و از متعه
و کنیز آنچه خواهد حلال گردانیده است و از برای زن
بغیر از یک شوهر حلال نکرده است و اگر شوهر دیگر طلب
کند نزد خدا زناکار است ، و غیرت ورشک نمیرند مگر
زنان بد .

— به روایت معتبر از حضرت صادق (ع) منقول
است که از علامات بدی که در آخر الزمان ظاهر شود آن
است که زنان سوار بر زین شوند . و فرمود که زین مرکب

ملعوبی است برای زنان .

و نیز از آن حضرت (ع) منقول است که زن سه
میزله فلاده‌ای است که در گردن خود مفاکمی . پس
پس که چگونه فلاده ای برای خود میگری .

(حلیة المتقیین ، باب چهارم ، فصل سوم -
باب سیم ، فصل دوم - باب سردهم ،
فصل سوم - باب حادیث)

— در احادیث معتبر وارد شده است که وظیفه مرد
در برابر زنی این است که او را سرگند و بدنش را
پوشاند و یکروز در میان روغن برای مالیدن به او بدهد ،
و هر سه روز یکمرتبه گوشت برای او بیاورد ، و رنگ
مانند حنا و وسه هر ششماه یکبار با او بدهد ، و در هر
سال چهار جامه اش بدهد و تا از برای زمستان و دوتاسا
از برای تابستان .

— سنت است ختنه کردن دختران . و منحب است که در
دختران اندکی بپرند و بسیار نرنند ، زیرا حضرت رسول
(ص) به ام حبیبه فرمود چون ختنه کنی زنان را بسیار
به ته میر و اندکی بگیر که او را نورانی تر و رنگش را
صافتر میگرداند .

(جامع عباسی ، باب یا زدهم ، محصولات ابرار)

— اگر جامه‌ای مثلاً به بول نجس شده باشد و خواهند که
آنرا به آب قلیل طهارت دهند ، پس اگر به بول شبنم
خواره نجس شده باشد باریختن آب بر آن ظاهر میشود و
احتیاج به فشردن نیست ، اما به شرط آنکه آن طفل پسر
باشد نه دختر .

(از همان کتاب)

— حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : مردی

که کارهای او را زنی تدمیر کند ملعون است .

— از حضرت صادق (ع) منقول است که حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام به اهل عراق فرمود : ای اهل

عراق ، به من خبر رسیده که زنان شما می‌رسند به مردها

در راه ، یعنی برمیخورند به با محرمان در کوجه و باران .

آیا حیا نمیکنند شماها ؟ و فرمود : لعنت خدا بر کسی که حیا

نمیکند .

(معانی صحیح الحیان ، باب سوم ، فصل اول)

-- در حینم نگریم و دیدم که بیتر مـ -- مردم آن

زنانند .

— کمترین ساکنان بهشت زنانند .

— اگر زن نبود مرد به بهشت میرفت .

— اگر زنان نبودند خدا چنانکه شایسته پرستش

اوست پرستیده میشد .

-- زن بصورت شیطان میآید و بصورت شیطان میرود .

— زنان دامهای شیطانند .

— محکمترین سلاح شیطان زنانند .

— از هیج فتنه‌ای که خطرناکتر از زن و شراب باشد

بر امت خود بیم ندارم .

— پس از من برای مردان فتنه‌ای زبان انگیزتر

از زنان نخواهد بود .

— از زنان بد به خدا پناه ببرید و از نیکانشان

بپرهیزید .

— از دنیا بترسید و از زنان بپرهیزید ، زیرا

شیطان در کمین است و هیچیک از دامهای او برای صید

پرهیزکاران مانند زنان مورد اطمینان نیست .

— از دنیا بپرهیزید و از زنان نیز بپرهیزید ،

زیرا نخستین گمراهی یهودان از جانب زنان بود .

- خطرناکترین دشمن تو همسر تو است که همچو آنست
و ما ملک تو است .

- زن دوبرده دارد : فر و زبانشویی .

- خداوند رنج هوو دانش را نصیب زنان و حدیث را
قسمت مردان قرار داد . هرزنی که از روی ایمان و در
انتظار پاداش خدا بر رنج هوو دانش صبر کند ثواب
سپید دارد .

- اگر به کسی دستور میدادم کسی دیگر را سجده
کند ، به زنان دستور میدادم که شوهران خویش را سجده
کنند ، از بس که خداوند برای شوهران حق به گزیدن
زنان نهاده است .

- اگر زنی خود را معطر کند و بر مرد می بگذرد که
بوی عطرش را بشنوند ، آن زن زناکار است .

- زنان را سی لباس بگذارید تا در خانه بمانند .

-- هرزنی که بدون اجازه شوهر از خانه خود بیرون
رود مورد خشم خدا است تا بخانه برگردد یا شوهرش
از او راضی شود .

- اگر زن حق شوهر را بداند ، هنگام ناهار و شام
او بایستد تا شوهرش از خوردن فراغ یابد .

- خدا لعنت کند زنی را که چون شوهرش به سفر
بخواند بگوید " کمی صبر کن " تا شوهرخوایش برسد .

- مردانی که از زنان اطاعت کنند به هلاک افشند .

- گروهی که زمام کار خویش را به زنی سپارند ،
هرگز رستگار نشوند .

- اطاعت زنان مایه پشیمانی است .

-- بدترین زنان شما آرایش‌کنان و متکبرانند ، و

آنان منافق هستند ، و از آنها جز به اندازه کلاغی
که خط سفید به گردن دارد به بهشت نمیروند .

- اگر زنی به شوهرش بگوید که از تو خب...

بدیدم ، تمام اعمال نیک منی اسر منبود .

- اگر زن در اطاق خود نماز کند برای او بهر است با در ایوان خانه نماز کند ، و اگر در ایوان نماز کند برای او بهر است نادر صحن خانه نماز کند ، و اگر در صحن خانه نماز کند برای او بهر است با در مسجد نماز کند .

- بهترین مسجد زنان کج خانه آنهاست .

.. نمازی که زن در نیایشی بکند بسبب وسع بار از نماز حائضه او بهر است .

- نمازی که زن در تاریکترین کوفه خانه بخورد کند ، از همه نمازهای او نبرد جدا محسوب است .

- زنان با ماندن در خانه خود ، اگر جداخواهند ثواب محاهدی خواهند یافت .

- اگر زنی که شوهرش از او دور باشد و مخارجش را بر ندارد ، و او در غیبت شوهر آرایش کند ، سخن مگوی .
- کسی که زن بداخلاق دارد و طلاق ندهد ، دعایش اجابت بشود .

- فرزندان خود را شنا و نسراندازی آموزد و زنان راج ربیسی .

- بهترین سرگرمی مؤمن شنا است ، و بهترین سرگرمی

زن دستگاه سج ربیسی است .

- مننه سخن را دیدید و صبر کردید ، و من از مننه ای صحبت نکرده ایم داریم که از طرف زنان میآید ، هنگامی که الکتوی طلا به دست و بارچه های فاخر بپوشند .

- وای سرزبان از دوحیز رنگس : طلا و حامه زبا .

- بهترین زنان آن است که وقتی مرد بدو توجه کند

کند مرور شود و وقتی که بدو فرمان دهد سخن و حرا اطاعت کند .

- وظیفه زن است که از خانه توهربی اجازه بیرون

نرود ، و اگر رفت خداوند و ملائک غضب او را لعنت کنند تا از این گناه توبه کند یا بازگردد ، اگر چه شوهرش مردی ستمگر باشد .

- هرزتی که بدون جهت از شوهرش طلاق خواهد ، سوی بیست بر او حرام است .

- زن از دنده‌ای خلق شده که راستی پذیر نیست . اگر با کجی او بسازی ساخته‌ای ، و اگر خواهی به راستیش بازآوری او را می‌شکنی ، و شکستنش طلاق است .

(سبح الفصاحه ، سخنان منسوب به حضرت محمد ، گردآوری شده از کتب بهای : اصول کافی ، مس لابخره الفقیه ، تهذیب ، انصاری ، صحاح سته ، اعیان الشیعه ، الجامع الصغیر ، یتسیر الوصول ، کنوز الحقایق ، البیان والتبیین ، عقد الفریس ، ربیع الاسرار)

- حضرت امام جعفر صادق فرمود : در زمان پیغمبر صلی الله علیه وآله مردی از قبیله انصار مسافرت کرد و به همسرش سفارش کرد : از خانه بیرون مرو تا من برگردم . طولی نکشید پدر آن زن بیمار شد . قاصدی فرستاد و از پیغمبر رخصت عیادت پدر خواست . فرمود : در خانه بنشین و اطاعت شوهر کن . تا آنکه حال پدر سنگین شد . زن باز پیغام فرستاد و اجازه خواست ، و باز همان جواب را شنید . آخر پدر مرد . زن اجازه خواست در نماز بر حنازه پدر حاضر شود . باز همان پاسخ آمد . پدر را بخاک سپردند و دختر قدم از خانه بیرون نهاد . پیغمبر پیام فرستاد : خدا بیاس این فرماندای تو از شوهر ، تو و پدرت را آمرزید .

(وسائل ابواب مقدمات النکاح ، باب بود ویکم ، نقل از کتاب ازدواج در اسلام ، تألیف آیه اله مشکینی)

— حضرت باقر علیه السلام فرماید : خدا غسرت را برای زنان قرار داده و فقط برای مردان قرار داده است . زنان بی ایمانند که در موقع تعدد روحت شوهر غیرت بخرج میدهند نه آنها که به احکام خدا معتقدند .

(وسائل ، اسواب مقدمات النکاح ،

باب هفتاد و هفتم)

— حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود : در غیاب شوهر عطر بر خود نزن ، اگر ایمان به خدا و روز قیامت داری . و روسری و مح دستت را نشان کسی نده ، که اگر جنسی کنی دستت را تنها کرده و خدا را به غضب آورده ای .

(همان کتاب ، باب هشتاد و سهتم)

— حضرت صادق علیه السلام فرمود : یک نمانه سعادت مرد این است که دخترش پیش از حیض دیدن بخانه شوهر برود .

(همان کتاب ، باب بیست و سوم)

— حضرت صادق علیه السلام فرمود : اگر مردی اطلاع بر روابط نامشروع همسرش با کنیزش پیدا کند و چاره ای نیندیشد ، خدا تا چهل روز او را مهلت میدهد . سپس روح ایمان را از او میگیرد و ملائکه در جلونامش مینویسند : دثوت .

(همان کتاب ، باب هشتاد و هفتم)

— حضرت باقر (ع) فرماید : بیغمبر چند کس را لعنت کرده : مردی که به فرج زنی غیر از همسر و کنیزش نگاه کند (۱) ، مردی که به برادرش خیانت ناموسی کند ، و فقیهی که برای تعلیم دین به محتاجان رشوه خواهد .

(وسائل ، اسواب مقدمات النکاح ، باب صد و چهارم)

۱- در حدیثی دیگر ظاهراً از همین حضرت نقل شده که حضرت رسول فرموده اند : هر کس که به فرج زن یا همسر خودش نگاه کند کور شود .

— تسبیح شریف اعلیٰ اله منامه فرموده درونی
 که زن ها میخواهند زیارت کنند بایست که خود را جدا
 کند از مردان ، و نیاز زیارت کند ، و اگر در سبب
 زیارت کند اولی است ، و باید لباس خوب را بد لباس
 تبدیل کند که ساحنه بشود ، و محلی و بیجان بیرون
 آید که کی گمراستان را کند و باید .
 از این کلمات معلوم شد که زیارت تسبیح و سابع است
 منعارف شده فعلا که زیارت در حرم های مطهره مراجع
 یا با محرمان نموده و فار به بدین ایستادن داده یا
 خود را متصل به ضرایح مطهره نموده یا در عمل مردان
 نرسیده منقول به زیارت خواندن نده و حواس آسان را
 برینان نموده ، عبادان محل را از برین و نمانند
 گذارندگان و منصرعی و گریه کنندگان از کار خود باز
 داشته ، الی غیر ذلک ، و فی الحقیقه بایست است
 زیارت زیبا از منکرات شرع شمرده شود به عبادات ، و
 داخل در موافقات شود نه قربات .

(معانی الحسان ، باب سوم ، در آداب زیارت)

اثمه و مستضعفین

— علی بن ابراهیم از محمد بن عیسی ، و او از یحیی ،
 و او از یکی از اصحاب ، و او از زراره نقل کند که از
 حضرت امام باقر علیه السلام درباره مستضعفین سوال
 کردم ، فرمود : مستضعف کی است که نه حیل های بی
 کفر دارد تا کافر شود ، و نه راهی به ایمان تا مومن
 گردد ، و حکم کودکان را دارد ، و بدستی که هر مردوزنی

که عقلش چون عقل کودکان باشد ، بگفتار او برداسد
بده است .

— و سر رزازه ار آن حضرت علیه السلام حدیث
کند که فرمود : مستضعفان آن گنایند که راه بحائشی
برند ، و حاره‌ای به سوی آسمان بخواهند و کافر همسرم
ببود ، و گنایی هستند که عقلشان چون کودکان است و
مردان و زنان ، و کاربان با خدا است !

— و عثمان بن سمط بحلی گوید : به حضرت امام
صادق علیه السلام عرض کردم : چه کوئی درباره مستضعفان؟
حضرت ما بید نحص هراسا کی به من فرمود : مگر مستضعفان
مستضعفی باقی گذاردید ؟ گنایند مستضعفان ؟ بخدا
سوگند سر شمارا دوشیزگان بنت برده نیز دریافته‌اند
و زبان آنکس و سفا در راه مدینه درباره آن با هم
گفتگو کنند .

— و ابوبس حر گوید : مادر خدمت امام بزرگوار
حضرت صادق علیه السلام بودیم . مردی به آن حضرت عرض
کرد : قربانت ... ما میترسیم به واسطه گناهانمان به
درجه مستضعفین تنزل کنیم . پس آن حضرت فرمود : نه ،
بخدا سوگند که هرگز خداوند با شما جسی نکند !

(اصول کافی ، کتاب الامان
والکفر ، باب المستضعف)

درباره عرب و عجم

— از حضرت رسول اکرم (ص) منقول است که
عمامه تاج عربان است ، و هرگاه که عمامه را برطرف

کنند خدا عزنتان را بر طرف نماید . و از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است که هر که عمامه بر سر بسجد و تحت الحک بسندد یا و دردی برسد که در میان نداشته باشد . و از حضرت امام محمد باقر (ع) منقول است که ملائکه در روز جنگ بدر عمامه های سفید بر سر داشته اند . و از حضرت رسول (ص) منقول است که هر گاه کلاه ترک دار در میان ائمه رایج گردد زنا کردن در میان ایشان شایع شود .

— و نیز از حضرت رسول اکرم (ص) منقول است که امت من با خیر و نعمت باشند مادام که لباس عجمان را ننوشند و طعامهای عجمان را نخورند ، که اگر چنین کنند خدا ایشان را دلیل گرداند .

— و از فضل بن یونس منقول است که حضرت امام موسی کاظم (ع) به منزل من آمدند ، و چون طعام حاضر شد دستمال آوردم که در دامن ایشان بیندازم . قبول نکردند و فرمودند که این طریقه عجمان است .

— شخصی به حضرت امام محمد باقر (ع) عرض کرد که شخصی مینشیند بر فرشی که در آن صورتهای نقش شده است . فرمودند ما دشمن مبداریم چنین فرشی را که عجمان میپسندند .

— و از حضرت امام موسی کاظم (ع) منقول است که هر که ببیند اسب پدر و مادر عربی را ، هر روز از نامه عمل او سه گناه محو شود و یازده حسنه نوشته باشد . و هر که اسبی ببیند که یکی از پدر یا مادرش غیر عربی باشد هر روز از عمل او دو گناه محو شود و هفت حسنه برای او نوشته شود .

(حلیة المتقین ، باب

دوازدهم ، فصل اول)

در باره مجوسان

— در احادیست و وارد شده که مجوسان کنایه داشته‌اند
بنام ژند و باژند که آنها را سوخته‌اند ، و سغمدسری
زردشت نام داشته‌اند که او را کشته‌اند ، و جهاد با این
فرقه واجب است تا آنکه مسلمان شوند یا حربه قبول
کنند یا شرایط ، و از جمله این شرایط است که با زبان
مسلمان زنانشان نکنند ، و کفار را بر اسرار مسلمانان عالم
ن سازند ، و چهاربای سواری ایشان غیر از چهاربای سواری
مسلمانان باشد ، و بر آن چهاربای نیز یکطرفه سوار شوند
یعنی هر دو پای خود را بر یکجانب او بزنند .
(جامع عباسی ، باب ششم ، در شروط جهاد)

— در خانه‌ای که مجوسی در آن باشد یا سگ ، نماز
کردن مکروه است ،
(همان کتاب ، باب دوم ، احکام نماز)

— از حضرت رسول اکرم (ص) به سند معتبر
منقول است که هر که گبری را ببیند باید که این دعا
را بخواند (متن دعا) تا خدا میان او و آن کافر را در
جهنم جمع نکند .

— و آن حضرت (ص) نهی فرمود از خوردن شکاری
که سگی آنرا صید کرده باشد که مجوسی آنرا تعلیم
کرده باشد .

— حضرت امام صادق (ع) فرمود: حد کسی هست که برایشان سلام نمی‌باید کرد: گمر و شراب و حیود و سب و برکت، و کسی که در بست الحلاء باشد، و کسی که سر بر جوان شراب نشسته باشد، و برشاعر، و بر کسی که نه نرد یا شطرنج بازی کند، و بر کسی که عود با طیب نور بوازد، و بر مردی که مردم با او عمل لواطه کنند.

— و نیز آن حضرت فرمود که ابتدا مکتبید گمران را به سلام کردن، و چون ایشان سلام کنند فقط بگوئید "علیکم"، و اگر با گمران مصافحه کنی از زیر جامه مصافحه کن، و اگر دستت به دست او رسد دستت را بشوی، و در حدیث دیگر فرمود که اگر با گمران مصافحه کنی دستت را به خاک یا بدیوار بمال.

(حلیة المتقین، باب یازدهم،

فصل اول - باب دوازدهم،

فصل نهم)

— علی بن ابراهیم از پدرش، و او از حسن بن محبوب، و او از محمد بن فضیل، و او از ابی حمزه، و او از ابی جعفر امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود: آدم علیه السلام سه هابیل و قابیل فرزندان سر دستور داد که قربانی کنند، و هابیل گوشتش را ریخت و قابیل زراعت میکرد. و هابیل یکی از بهترین قوچهای گله را برای قربانی آورد، و قابیل قدری از زراعت با مرعوب خود را، پس خدای عزوجل قربانی هابیل را قبول کرد و قربانی قابیل را قبول نکرد. و نشانه پذیرفتن قربانی آن بود که آتش می‌آمد و آنرا میخورد، پس قابیل منوچه آتش گردید و برای آن خانه ساخت - و او نخستین کس بود که آتشکده ساخت - و گفت من این آتش را میپرستم تا قربانی مرا بپذیرد.

(کلیسی، الروضة من الکافی، کتاب
الروضة، حدیث آدم مع الشجره)

احادیث مربوط به شیعیان

— محمد بن حنفی ، از محمد بن الحنفی ، و او از محمد بن اسماعیل بن سیرع ، و او از صالح بن عقیق ، و او از عبدالله بن محمد الحنفی نقل کرده است که امام ابی جعفر محمد باقر علیه السلام فرمود :

خدا مخلوق را آفرید ، و هر مخلوقی را که دوست میداشت از ماده‌ای که دوست داشت آفرید ، و آنچه را دوست داشت از گل بیست آفرید ، و هر مخلوقی را که دوست نداشت از ماده‌ای که دوست نداشت آفرید ، و آنچه را دوست نداشت از گل دوزخ آفرید... پس پیغمبران را در میان آنها دعوت ساخت تا ایشان را با قرار به خدا دعوت کند... پس خدا ایشان را به اقرار بست به پیغمبران دعوت کرد . برخی اقرار و برخی انکار نمودند . آنگاه ایشان را به ولایت ائمه که ما باشیم دعوت کرد . بخدا کسی ندان اقرار کرد که خدا او را دوست داشت ، و کسی انکار کرد که خدا او را دشمن داشت .

و خدا از شیعیان ما آنگاه که در عالم ذر بودند به ولایت ما سیمان گرفت... و خدا ارواح شیعیان ما را دو هزار سال پیش از بدیهایان آفرید ، و ایشان را سر پیغمبر صلی الله علیه وآله عرضه داشت ، حضرت آنها را شناخت . و علی علیه السلام هم آنها را شناخت . و ما نیز آنها را میشناسیم .

و پس فرمود که مردی خدمت امیرالمؤمنین علیه

السلام آمد و آن حضرت همراه اصحابش بود . بر آن حضرت سلام کرد و گفت : بخدا من ولایت ترا قبول دارم و محبت ترا دارم . فرمود دروغ میگوئی ! گفت : حرا ، بخدا من محبت ترا دارم ، و تا سه بار تکرار کرد . امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : دروغ میگوئی ، چه همانا خدا روح های مردم را دوهزار سال پیش از بدنهاشان آفرسد و سپس شیعیان ما را ماعرفه کرد . بخدا که من روح ترا در میان آنها ندیدم . پس نو کجا بودی ؟ آنگاه آن مرد ساکت شد و جوابی نداد . ولی امام صادق (ع) فرمود او در آتش دوزخ بود .

(اصول کافی ، کتاب الحجه ، باب
فی معرفتهم اولیائهم و
التعویض الیهن)

— ابان بن تغلب گوید که حضرت صادق علیه السلام فرمود : ای ابان بن تغلب ، چون به کوفه رفتی این حدیث را برای مردم روایت کن که هر کس شهادت دهد که معبودی جز خدای عزوجل نیست و دین خود را بیاکیزه کرده باشد بهشت برای او واجب گردد . عرض کردم : آیا برای هر دسته و گروهی که نزد من می آیند این حدیث را روایت کنم ؟ فرمود : آری ، ای ابان بن تغلب ، زیرا که چون روز قیامت شود همه اولین و آخرین در نزد خداوند گرد آیند ، خداوند " لا اله الا الله " را از همه آنها بخرد جز از آن کس که شیعه باشد !

(از همان کتاب)

— یکی از اصحاب از سهل بن زیاد ، و او از ابن ابی نجران ، و او از مثنی الحنظلی ، و او از کمال التمار نقل میکند که شنیدم حضرت امام باقر علیه السلام میفرمود : مردم همگی بمانند چهاربایانند — و این